

در اتوبوس

ان الله لا يظلم الناس شيئا و لكن
الناس انفسهم يظلمون.

(قرآن: آیه ۴۴ سوره یونس)

(خدا هرگز بمردم ظلم روا نمیدارد و ایسی

این مردمند که بخودشان ظلم میکنند).

❶ معنی ظلم؟

❷ ظلم شخصی!

❸ ظلم بخدا!

❹ ظلم عمومی!

❺ نتیجه ظلم!

اگرچه قرارم بر این بود که دنباله مقاله فقر را در این شماره هم بنویسم ولی آدمی هر روز و هر ساعت و در هر جا و بالاخره روزانه بحوادث گوناگون و تحولات زندگی و کج معوجهای برخورد میکند که اگر آن انسانی که تاحدی درك میکند ورنج میبرد بخواهد بنویسد و روی تمام آنها انگشت بگذارد باید بجز از نوشتن بدیگر کاری نبرد از دبلکه بر اینکار محال است توانائی حاصل کند تا چه رسد باینکه هر سه ماه یکمرتبه در چند صفحه ای آنها بطوریکه حق همکاران عزیز خود را هم نگرفته باشد.

دوروز گذشته تهران در اتوبوس شرکت واحد سوار شده، دیدم:

این آیه شریفه فوق را با ترجمه فارسی و انگلیسی که روی مقوای برقی

چاپ شده بود بچشم میخورد لابد این آیه را در هزاران ورق چاپ نموده و در معابر عمومی و مجالس و اماکن حساس گذارده و ملیونها نفر نگاهشان باین آیه افتاده و خوانده اند من میدانم برای چه منظور از میان قرآن مجید این آیه شریفه را انتخاب کردند؟ انتخاب کننده که بوده و چه نظر داشته است مگر احساس کرده است دست تعدی و ظلم زیاد شده است؟!

آیا بدسته خاصی نظر دارد؟ و یا میخواهد بتمام مردم بفهماند ظلم بد است! آیا درک نموده است آنقدر اجتماع آلوده شده است و در گرداب فساد دست و پامیزند که نمیتواند درک کند ظلم یعنی چه؟! و نمیتواند واقف شود و علم حاصل نماید ظلم عاقبت سوئی در بردارد؟ معنی و نتیجه ظلم را فهمیده است؟! خلاصه بر این شدم در این باره چیزی بنویسم.

ظلم از نظر لغت | یعنی انجام دادن کاری و نهادن چیزی بجائی

بدون استحقاق (وضع الشیء فی غیر موضعه) (۱)

ظلم یعنی تجاوز و تعدی از حدود و حقوق خویش.

ظلم یعنی دارا شدن و گرفتن و خواستن من غیر حق.

ظلم شخصی | یعنی آنکه انسان بخود ظلم کند. بطور مثال نماز نخواند

روزه نگیرد، بدن را دررنج و تعب اندازد و... که قابل بخشش و عفو است.

ظلم بخدا |

ظلمی که قابل گذشت نیست و آن گناهی که خدا نخواهد بخشید

و آن ستمی که یأس و ناامیدی همراه دارد و آن تعدی و ظلمی که بیچارگی و ذلت و خواری ابدی ثمره ناگوار آنست همان شرک بخداست یا بنوی
لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم (۱). فرزند من شرک بخدا نوزد که بس
 ستم بزرگی است. این ظلم گناهی است بزرگ آن انسان که بر فطرت پاک و
 خردی بیدار گامی مینهد نخواهد گرد آن گشت .
 راستی وای بر آن انسان که خدیرا نشناسد!

ظلم عمومی - شاید دیگر جهان امروز باین جمله اعتراف کند که مردم

در آتش ظلم می سوزند این آتش بدست که افروخته شده است؟ این شعله
 از کجا پدید آمده؟ است چرا هر روز دود و آتش ظلم شعله و رتر می گردد؟!
 مگر انسان نمی تواند فکر کند ظلم یعنی بدبختی، ظلم یعنی نابودی دین
 و ایمان، ظلم یعنی ویرانی آبادیها و خرابی شهرها مگر آن انسان که
 مینویسد و آن انسان که میخواند ان الله لا یظلم الناس شیئاً ولکن الناس
 انفسهم یظلمون وان الله لا یظلم مثقال ذرة وان تک حسنة یضاعفها
 ویؤت من لدنه اجراً عظیماً (۲)

خدا ذره ای ستم نمیکند و اگر کردار خوبی انجام گیرد، دو برابر
 پاداش دهد و از نزد خویش پاداش بزرگی عطا فرماید، با این وصف کمتر
 میتوان انسانی جست که از حریم مقدس حقوق انسانی خود تجاوز نکند
 و مقام انسانیت خود را از دست ندهد شما اگر روزانه بزندگی تنها خودتان
 واقف شوید و یا به همسایه و آشنا و طرف معامله و خرید و فروش و رفیق و کاسب
 کنار منزل و یا تاجر دوست خویش و یا برادر مسلمان کارمندتان و یا ...
 دقیق شوید و آیات و روایات و سرزنشها و ملامتها و نتایج و خیم ظلم را بیاد
 آورید آنوقت میتوانید درک کنید ظلم عمومی یعنی چه و چگونه گسترش

پیدا کرده است و بکجا رسیده است که یکباره جهان ستم بجای عدالت و امنیت و وحدت عالم جایگزین شده است .

نتیجه ظلم | هر کس هر چند هم محروم از دانش و خرد و نظر باشد ولی این اندازه میدانند و درک میکند که ظلم پایانی ندارد و بد، بد است زیرا فطرت و خرد هر اندازه هم که آلوده باشد بر این حکم میکند هر انسانی بفرخور حال خویش میدانند ظلم چه نتایج سوئی را با خود میآورد. ظلم چگونگی بنیان انسانی را متزلزل مینماید. ظلم چه زود تار و پود آدمی را پاره کرده و بپاد سیاه میدهد عن ابی عبدالله (ع) **ظلم مظاهة اخذ بها فی نفسه اوفی ماله اوفی ولده (۱)**

آن انسان که ظلم کرد باید همواره در انتظار دست انتقام و تاریکی عاقبت ناگوار آن که در جان و یا مال و اولاد ظالم سرایت میکند و او را فرا خواهد گرفت؛ باشد.

ظلم ناگهان گلوی ظالم را فشرده و به سیاه چال بدبختی میاندازد ستم و ظلم بزرگترین دژ خیم بیچارگی و زبونی انسان است و بالاخره دستگاه حاکمه عدالت الهی پیوسته در کمین متجاوزین است و هیچگاه نمی تواند مصونیت از دادگاه عدل و روز پیدایش و کیفر پیدا کند « ان ربك لبالمصاد » (۲) آن انسان است که از مسیر عدالت منحرف میگردد و در جهان نظم و امنیت غوغای ناامنی بپا میکند این اشرف مخلوقات است که در اثر خود خواهی و خیالات واهی و شیطانی دست به تجاوزات و عملیات ضد انسانیت میزند.

(۱) اصول کافی

(۲) سوره فجر آیه ۱۴

اوست که در اثر مهلت و مصونیت موقتی که جسته یکبار غفلت و شهوت و هواپرستی او را گرفته است و از هر چیز و هر جایی خیز مانده و چشم و گوش و دل او کور و کر و لال شده است و نمیتواند نداهای مظلومین ورنجیدگان و محرومین اجتماع را بشنود و ببیند و اینهمه ناله‌ها و فریادهای انسانهای بی‌گناه در این خلوق ستمگر اثری بخشد. او قلبی سلیم و وجدانی پاک و روحی لطیف و ایمانی راسخ ندارد که بتواند باور کند دست انتقامی هست که چنانکه گذشتگان، ظالم را مجازات کرده و بنتیجه اعمال ناپسند خود رسیدند، هنوز همان نیروی توانای خداوندی باقی است و خواهد بود لذا چنین گروهی بی‌خبر انسانها را در چهارچوبه ستم و جور قسار داده‌اند و خود بر مرکب شهوت و مراد سوار شده‌اند

ولی چه زود اینها بگذرد و ناگهان در حال غفلت خود را در میان دریای بلا و بیابان مصیبت و آتشیهای آفر و خسته خویش ملاحظه نمایند. آری ظالم باید مترصد عقوبت باشد و در انتظار انتقام چشم‌دوزخ آن اندازه ستم در پیشگاه خدام نمودم است که سکوت در برابر ظلم و یادوستی با ظالم را نکوهش فرموده است: *مع علوم انسانی*

ولاتر کنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار (۱)

میل بسوی آن انسانها که ظلم روا داشتند نمائید که شمارا هم آتش عقوبت فرا خواهد گرفت.

خواننده گرامی توجه فرمودید تا چه اندازه قرآن اعلان خطر کرده و ظالم را توبیخ نموده و مورد نکوهش قرار داده که در دل گذرانند و تمایل بظالم داشتن و دوستی با آنها را هم منع فرموده و اجازه نداده

است که با بد خواهان و ستمگران گامی نهد و طرح دوستی ریزد و
 علاقه‌ای روادارد عن ابی عبد الله (ع) **العامل بالظلم والمعین له والراضی**
به شرکاء ثلاثهم (۱) از امام صادق است: ظالم ویاور ظالم و آنکه رضا
 بظلم و ستمگری دهد در کفر و جزا شریکند در هر حال در پیش هر صاحب
 نظری هویدا است که خلقت جهان و گیتی بره حور عدل استوار و پایدار است و
 خدای جهان و دست توانای خالق این عالم هم انسان را بعدالت و داد-
 خواهی و وحدت و دستگیری و خداشناسی دعوت فرموده است و برای این راه
 چراغها و مشعل‌هایی آورده است تا انسانی منحرف نگردد و بتواند در این
 دنیای پرخطر زنده دل زندگی کند.

پس وای بر انسان که قدر خویش ندانست و فرمان رهنمایان اعتنائی
 نکرد و همواره راه عصیان پیمود راستی آوخ بر این انسان ظالم و امان
 از ظلم !!

۱- اصول کافی

بیاد آن بزرگ‌مرد جهان‌تشیع

چهار سال از رحلت زعیم عالم بقدر اسلام حضرت آیه الله بر و جردی
 قدس سره میگذرد.

براستی با در گذشت فقید سعید رخنه بزرگی در جهان شیعه پیدا شد
 آری نمیشود خدمات و بزرگواریها و علاقه آن بزرگمرد خدادرار در
 این چند سطر گنجا نید افسوس که مرجع ما از دست رفت و اسلام را
 عزادار نمود ولی از پیشگاه احدیت خواستاریم در نعیم جنان باجسد
 بزرگوارش بهیچ‌لست داشته باشد و نتیجه یکدوران خدمتگذاری بمالسم
 اسلام جز این نخواهد بود.